

Criticism and Review of *Manahij al-Bahth Al-Adabi* Book by Yousef Kholaf

Zohreh Naemi*

Abstract

Any scientific research to come to the truth must have a method or set of methods. Researchers in various sciences have written extensively on research methods and on how to write a scientific work. One of these books is *Manahij al-Bahth al-Adabi*, written by Yousef Kholaf, one of Arabic literature professors at Cairo University. The present article seeks to review this book using an interested descriptive-critical approach and to examine the form and content of that. Given that the author is interested in methodology in scientific research, she chose this book.

The results of this study indicate that this book has its merits and disadvantages. Its advantages include classification of materials from the roots of methodological science in the West, general literature and Arabic literature, dedicate a chapter to the thesis, An unbiased and wise criticism of the method of research in Some of the works in ancient and contemporary Arabic, And cite numerous examples for each of the methods, Ontology in Chapter Four. The disadvantages of this book are: print, edit and sometimes syntax errors, non-compliance of the book's title with the author's intentions, mismatches chapter titles with its content, mismatch list of contents with content, no resource list.

Keywords: Book review; Methodology; Research Method in Literature; Yousef Kholaf; *Manahij al-Bahth al-Adabi*.

* Assistant professor of Arabic language & literature department, literature & humanities faculty, Kharazmi uni, Tehran, Iran. Email: naemi.zohreh@khu.ac.ir

Date received: 2020-10-16, Date of acceptance: 2021-12-19

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد و بررسی کتاب *مناهج البحث الأدبی اثر یوسف خلیف*

زهره ناعمی*

چکیده

هر پژوهش علمی از روش یا مجموعه‌ای از روش‌ها تبعیت کند. کتاب *مناهج البحث الأدبی* اثر یوسف خلیف در زمره آثار است که در حوزه روش‌های تحقیق و شیوه تدوین اثری علمی نوشته شده است. مقاله حاضر در صدد است با روش توصیفی - انتقادی، این کتاب را از نظر شکلی و محتوایی مورد نقد قرار دهد. با توجه به علاقه نگارنده به مباحث روش‌شناسی در پژوهش‌های علمی، کتاب یادشده برای نقد انتخاب شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کتاب مذکور دارای محاسن و معایبی است: از محاسن آن طبقه‌بندی مطالب از علم روش‌شناسی در غرب تا ادبیات عربی؛ اختصاص فصلی به شیوه تدوین پایان‌نامه؛ نقد بی‌طرفانه روش‌های پژوهش در برخی از آثار قدیم و معاصر عربی؛ و ذکر نمونه‌هایی برای آن‌ها، ارائه مآخذشناسی در فصل چهارم، و از معایب این کتاب ایرادات چاپی، ویرایشی و گاهی نحوی؛ عدم هماهنگی میان عنوان کتاب و اهداف نویسنده؛ عدم مطابقت عنوان فصل‌ها با محتوای آن؛ عدم مطابقت فهرست مطالب با محتوا؛ و عدم وجود فهرست منابع است.

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب، علم روش‌شناسی، روش تحقیق در ادبیات، یوسف خلیف، *مناهج البحث الأدبی*.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، naemi.zohreh@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

۱. مقدمه

هر علمی نیازمند روش‌هایی است که بتواند از طریق آن به حقیقت دست یابد. روش پژوهش علمی به این معناست که بتوانیم راهی علمی و نظام‌مند برای مسئله‌ای که ذهنمان را مشغول کرده است، به کار گیریم (عبیدات و همکاران، ۱۹۸۴، ص. ۱۳). پژوهش‌های ادبی از این قاعده مستثنی نیستند.

در زبان عربی سه کلمه نهج، منهاج و منهج وجود دارد. منهاج در لغت به معنای برنامه‌ای مشخص، نهج راه مستقیم و روشن و منهج ساده‌ترین راه روشن به سوی حقیقت است. پژوهش علمی نیازمند به هر سه واژه است. در پژوهش علمی، پژوهشگران به واسطه خط فکری (نهج فکری) خود و با دنبال کردن برنامه‌ای مشخص (منهاج مرسوم) و با به‌کارگیری روش علمی (منهج علمی) می‌توانند به کشف حقیقت دست یابند (الدویدری، ۲۰۰۰، ص. ۱۲۷).

منابع فراوانی در رابطه با روش تحقیق در ادبیات نوشته شده است که کتاب *مناهج البحث الأدبی* نوشته یوسف خلیف از آن دسته است. این کتاب حاصل سال‌ها مطالعه و تجربه یوسف خلیف در دانشگاه‌ها و تدریس درس روش‌های پژوهش ادبی در مرحله تحصیلات تکمیلی است که با وفات وی، ناتمام ماند و وی فرصت تعمق بیشتر در مطالب و موضوعات کتاب را نیافت. گفتنی است می‌خلیف، فرزند یوسف خلیف، این کتاب را دو سال پس از وفات پدر، یعنی سال ۱۹۹۷، به ناشر سپرده است.

۱-۱. هدف و روش پژوهش

هدف از نگارش این مقاله، نقد و بررسی کتاب یادشده بر اساس روش توصیفی و انتقادی است. نگارنده کوشیده است در عین رعایت بی‌طرفی علمی، آن را از نظر شکلی و محتوایی مورد ارزیابی قرار دهد.

به منظور داوری و نقد عادلانه این اثر، ذکر این نکته ضروری است که جملات پایانی مقدمه حاکی از آن است که کتاب با شکل چاپ‌شده کنونی، صورت نهایی و ویرایش‌شده آن نبوده است و متأسفانه نویسنده فرصت ویرایش شکلی و محتوایی آن را نیافته است، آنجا که می‌گوید: من = علی‌رغم آنکه این کتاب را با همین شکل به فرزندانم، دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه قاهره تقدیم می‌کنم — از خداوند می‌خواهم که به زودی

نقد و بررسی کتاب *مناهج البحث الأدبی اثر یوسف خلیف* ۲۶۳

چرخ روزگار بر وفق مرادم بچرخد تا آنچه دوست داشته و دارم را محقق گردانم (خلیف، ۱۹۹۷، صص. ۱۳-۱۴).

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر در پی پاسخ‌گویی به سؤالات ذیل است:

۱. کتاب *مناهج البحث الأدبی* از نظر شکلی دارای چه محاسن و معایبی است؟
۲. کتاب یادشده به لحاظ محتوایی چه محاسن و نواقصی دارد؟

۳-۱. پیشینه تحقیق

با توجه به جست‌وجوهای نویسنده، تاکنون پژوهشی مبنی بر نقد کتاب مذکور انجام نشده است، اما با اندک جست‌وجو می‌توان مقالات فراوانی را درباره نقد کتاب در علوم مختلف یافت که ذکر همگی آن‌ها از حوصله این مقاله خارج است. اما در حوزه روش‌شناسی در علوم، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- «نقد کتاب مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی (با تأکید بر نقد ساختاری بر اساس نظریه تقسیم در منطق ارسطویی)»، مصطفی همدانی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۳۹۸. کتاب *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی* تألیف علی دلاور، متن درسی روش تحقیق در رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی است. همدانی در این مقاله به نقد شکلی، ساختاری و محتوایی این اثر پرداخته است. عدم همخوانی عنوان‌های فصل‌ها با یکدیگر و با عنوان کتاب، عدم همخوانی برخی مباحث با فرهنگ اسلامی، لزوم به‌روزرسانی محتوا و منابع، از مهم‌ترین نقدهای محتوایی و ساختاری در این مقاله است.

- «نقد و تحلیل ماهیت علمی پژوهش‌های ادبی بر اساس ارزیابی انتقادی کتاب‌های روش تحقیق در ادبیات فارسی»، قدسیه رضوانیان و هاله کیانی بارفروشی، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۸، شماره ۲، ۱۳۹۷. نویسندگان این مقاله، ده کتاب روش تحقیق در ادبیات فارسی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج بررسی‌های آن‌ها حاکی از آن است که تنها دو کتاب از مجموع ده کتاب، به تبیین روش تحقیق با

رویکرد انتقادی در ادبیات پرداخته‌اند که این مسئله بیانگر حرکت به سمت هم‌گامی با تحول روش‌شناختی در علوم انسانی است.

- «نقد کتاب ضدروش ۱»، احمد کلاته‌ساداتی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۳۹۸. کتاب روش تحقیق کیفی؛ ضد روش ۱ از جمله کتاب‌هایی است که بر مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی پارادایم‌های تحقیقاتی مبتنی است. نویسنده مقاله، کتاب را از نظر ویراسته بودن و روانی متن، مثبت می‌داند، اما در دیگر موارد شکلی و محتوایی بدان ایراداتی وارد می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها ابهام‌آمیز بودن مفهوم ضدروش در عنوان کتاب است.

- «نقد کتاب اصول و روش تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی»، محمد احمدی صفا، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۹، شماره ۶، ۱۳۹۸. در این مقاله، کتاب اصول و روش تحقیق در زبان‌شناسی کاربردی اثر هاشمی در ابعاد شکلی و محتوایی در معرض نقد قرار گرفته است. نگارنده مقاله، کتاب را از نظر شکلی مثبت ارزیابی می‌کند، اما به لحاظ محتوایی آن را دارای نواقصی می‌داند که از مهم‌ترین آن‌ها عدم انطباق محتوا با سرفصل مصوب این درس، و نیز عدم انطباق تعداد فصل‌های این کتاب با طول دوره آموزشی است.

- «نقدی بر کتاب روش‌شناسی مطالعات دینی»، سید محمدرضا نقوی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۲۰، شماره ۵، ۱۳۹۹. کتاب روش‌شناسی مطالعات دینی (تحریری نو) اثر فرامرز قراملکی، در این مقاله مورد نقد شکلی و محتوایی قرار گرفته است. نویسنده مقاله، کتاب را از نظر شکلی مثبت ارزیابی می‌کند و آن را از لحاظ محتوایی و فنی ارزشمند می‌داند، اما معتقد است عنوان کتاب با محتوای آن ناهماهنگ است. لذا پیشنهاداتی ارائه می‌دهد.

- «بررسی و نقد کتاب روش‌شناسی تحقیقات کیفی»، مصطفی همدانی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۷، شماره ۲، ۱۳۹۶. کتاب روش‌شناسی تحقیقات کیفی نوشته محمدتقی ایمان به عنوان متن درسی در رشته‌های جامعه‌شناسی، جمعیت‌شناسی، روان‌شناسی و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. نگارنده این مقاله علاوه بر نقد صوری اثر، به نقد محتوایی آن نیز پرداخته است. افزودن مقدمه و فصل کلیات و نیز ویراستاری جامع کتاب مذکور از جمله پیشنهادات و نتایج انتقادی مقاله نامبرده است.

- «نظری انتقادی بر روش‌شناسی در علم حقوق مطالعه موردی کتاب روش تحقیق در علم حقوق»، محمدسعید تسلیمی، خلیل نوروزی و محمدامین حاکمی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۸، شماره ۵، ۱۳۹۷. کتاب روش تحقیق در علم حقوق به زبان ساده نوشته محمدجواد جاوید شامل مباحث ذیل است: مفاهیم پایه‌ای، فرایند تحقیق و چگونگی تدوین پایان‌نامه و اصول نگارش مقاله علمی. نویسندگان مقاله نامبرده به بررسی و نقد صوری و محتوایی این اثر از دیدگاه علم حقوق پرداخته‌اند.

- «نقد کتاب روش تحقیق آمیخته، مصطفی همدانی»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۲۰، شماره ۵، ۱۳۹۹. این مقاله نقدی است بر کتاب روش تحقیق آمیخته که به‌عنوان متن درسی در رشته‌های اجتماعی و علوم انسانی تدریس می‌شود. همدانی در این پژوهش انتقادی به نقد ساختاری، صوری و محتوایی کتاب مذکور پرداخته است. از مهم‌ترین نقدهای نویسنده، استفاده مؤلف از واژه تألیف برای اثری ترجمه‌ای = تألیفی است.

- «نقد و تحلیل کتاب روش تحقیق به زبان ساده»، مراد اسماعیلی، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، دوره ۱۸، شماره ۲، ۱۳۹۷. روش تحقیق به زبان ساده، نوشته مریم صادقی، عنوان کتابی است که نویسنده آن کوشیده است تا روش تحقیق و مبانی پایان‌نامه‌نویسی را برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی تبیین کند. اسماعیلی در این مقاله انتقادی به بررسی و نقد این کتاب اهتمام ورزیده است و ضمن اشاره به نکته‌های مثبت در آن و مهم‌تر از همه، تمرکز بر رشته زبان و ادبیات فارسی، از کاستی‌های آن در صورت و محتوا نیز سخن گفته است.

۲. نویسنده اثر

یوسف عبدالقادر خلیف، استاد فقید دانشگاه قاهره، در سال ۱۹۲۲ در شهر اسکندریه مصر به دنیا آمد. وی درجه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری خود را از دانشگاه قاهره اخذ کرد (www.kingfaisalprize.org).

او در طول زندگی علمی خود، در منصب‌های مختلفی حاضر شد؛ از ریاست گروه زبان عربی در دانشگاه قاهره گرفته تا عضویت در انجمن مطالعات ادبی در مجلس عالی

فرهنگ، عضویت در انجمن تشویقی شعر، عضویت هیئت امنای جایزه شعر مؤسسه عبدالعزیز سعود الباطین و مؤسسه یمانی (خلیف، ۱۹۹۷، صفحه پایانی). نیز وی در سال ۱۹۸۹ جایزه جهانی ملک فیصل در ادبیات عربی و در همان سال، جایزه پژوهش ادبی دانشگاه قاهره و در سال ۱۹۹۳ جایزه دولت در ادبیات را از آن خود کرد (www.kingfaisalprize.org).

از وی آثار متعددی به جای مانده است که عبارت‌اند از: *الشعراء الصعاليك في العصر الجاهلي، الحب المثالي عند العرب، حياة الشعر في الكوفة، ذو الرمة شاعر الحب والصحراء، دراسات في القرآن والحديث، دراسات في الشعر الجاهلي، تاريخ الشعر العربي في العصر الإسلامي، تاريخ الشعر العربي في العصر العباسي، مناهج البحث الأدبي*. وی سرانجام در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۹۵ و پس از سخنرانی در گردهمایی مؤسسه ملک فیصل در قاهره، دار فانی را وداع گفت (خلیف، ۱۹۹۷، ص. ۵).

۳. معرفی اثر

کتاب *مناهج البحث الأدبي اثر يوسف خليف در سال ۱۹۹۷* از سوی انتشارات دارالثقافة در قاهره و با قطع وزیری (۲۳×۱۶) به چاپ رسیده است. صفحه اول کتاب بعد از جلد، صفحه عنوان است که اطلاعات شناسه مربوط به آن نیز در همین جا آمده و صفحه مجزایی برای آن در نظر گرفته نشده است. اطلاعات کتاب شناسی در این صفحه به ذکر نام کتاب (در بالای صفحه)، نویسنده (در میانه صفحه)، سال چاپ، ناشر، آدرس و شماره تماس آن (در پایین صفحه) بسنده کرده، اما با تأمل در مقدمه‌ای که می‌یوسف خلیف نوشته است، روشن می‌شود کتاب مورد نظر در سال ۱۹۹۷ برای اولین بار و در ۱۵۷ صفحه به چاپ رسیده است. گفتنی است، متن اصلی کتاب به زبان عربی است که از مقدمه می‌یوسف خلیف آغاز و تا انتهای کتاب که به فهرست مطالب ختم می‌شود، ادامه دارد.

۴. ساختار علمی اثر و موضوعات اصلی آن

هر پژوهشی لازم است ساختار محتوایی کاملی داشته باشد، به طوری که شامل فصل‌ها و مباحثی گردد که پژوهش بر آن استوار است (سرحان علی المحمودی، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۰).

ساختار علمی کتاب حاضر و موضوعات اصلی آن شامل مباحث ذیل است:

- مقدمه می‌خلیف، با عنوان «تقدیم و تحیه»، در سه صفحه و در سال ۱۹۹۶ یعنی یک سال قبل از چاپ اثر، تنظیم شده است که اطلاعات کاملی درباره چگونگی شکل‌گیری و تألیف کتاب حاضر در اختیار خواننده قرار می‌دهد، زیرا مقدمه از ضروری‌ترین اجزای هر تألیف درسی به‌شمار می‌رود و خواننده را برای فراگیری محتوا و جزئیات مطالب آماده می‌سازد (لپیونکا، ۱۳۸۶، ص. ۱۷۶). از نکته‌های قابل توجه در این مقدمه آن است که می‌خلیف اذعان می‌کند کتاب را بدون هیچ دخل و تصرفی در متن، عبارت‌ها و یا جمله‌ها و به اعتبار این که سبک کلامی و نوشتاری هر فردی ویژه اوست، به چاپخانه سپرده است و آن را سندی علمی به‌شمار می‌آورد که به امانت نزد او مانده و با سپردن آن به چاپخانه، امانت را به صاحبان آن، که خوانندگان و پژوهشگران‌اند، برگردانده است.

= بعد از مقدمه می‌خلیف، پیش‌گفتار یوسف خلیف آمده است.

= پس از مقدمه، فصل‌های چهارگانه قرار گرفته است که نویسنده در این فصل‌ها به موضوع علم روش‌شناسی در غرب، روش‌های پژوهش نزد عرب و شیوه تدوین پایان‌نامه پرداخته است.

گفتنی است در انتهای کتاب و پس از فصل چهارم، فهرست مطالب آورده شده است. می‌توان فصل‌های چهارگانه کتاب را به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول شامل سه فصل اول، دوم و سوم است که به مبحث *مناهج* می‌پردازد؛ و دسته دوم که تنها فصل چهارم را دربرمی‌گیرد، به مبحث پژوهش علمی و شیوه تدوین پایان‌نامه اختصاص دارد.

فصل اول کتاب، مشتمل بر ۱۷ صفحه (صص. ۱۵-۳۲)، و عنوان آن روش‌شناسی پژوهش (علم *مناهج البحث*) است. نویسنده در این فصل به بررسی ریشه‌های این علم در غرب می‌پردازد.

فصل دوم کتاب، شامل ۳۱ صفحه (صص. ۳۳-۶۴) و عنوان آن روش‌های پژوهش ادبی (*مناهج البحث الأدبی*) است. نویسنده در ابتدای این فصل به روش‌های پژوهش علوم تجربی و طبیعی و تأثیر آن‌ها در ادبیات، و درنهایت به علوم انسانی و تأثیر روش‌های پژوهش این علوم در ادبیات می‌پردازد.

فصل سوم کتاب در ۴۱ صفحه (صص. ۶۵-۱۰۶) تنظیم شده است. عنوان این فصل، روش‌های پژوهش نزد عرب (مناهج البحث عند العرب) است. نویسنده در این فصل به بررسی پژوهش‌های ادبی - عربی در عصرهای قدیم ادبیات عربی و ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازد.

فصل چهارم کتاب در ۴۹ صفحه (صص. ۱۰۷-۱۵۶) نوشته شده است. عنوان این فصل، پژوهش عملی (دراسة عملیة) است. یوسف خلیف در این فصل به شیوه تدریس و نگارش پایان‌نامه دانشگاهی پرداخته است.

۵. نقد و ارزیابی اثر

این بخش شامل دو بخش نقد شکلی و نقد محتوایی اثر است:

۱-۵. نقد شکلی اثر

۱-۱-۵. جلد، صفحه‌آرایی، اصول دستوری و ویرایشی

قلم نویسنده شیوا، روان و به دور از تکلف و پیچیدگی است که این امر، فهم محتوای کتاب را برای خوانندگان به‌ویژه دانشجویان تسهیل می‌کند. همچنین حجم قلم به‌کار رفته در کتاب مناسب است و چشم خواننده به هنگام مطالعه آزار نمی‌بیند. صفحه‌آرایی کتاب، مناسب و طرح جلد آن ساده است. اما به لحاظ حروف‌چینی ایراداتی در آن دیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به غلط‌های دستوری و ویرایشی‌ای که ناشی از قصور چاپخانه در حروف‌چینی است، اشاره کرد. واضح است که پرداختن به همه ایرادات و آوردن همه نمونه‌ها از حوصله این پژوهش خارج است، لذا تنها به ذکر چند نمونه بسنده خواهد شد.

یکی از ایرادات شایع در کتاب، افتادگی («..» از «ی» است؛ و از دیگر ایرادات شایع می‌توان به افتادگی حروف یا نقطه از برخی کلمات، و یا افزودن حروف زائد به کلمه اشاره کرد، مانند کلمه «کلما» در پاراگراف آخر از صفحه ۶۱ که به نظر می‌رسد وجه صحیح آن «کما» است «وکلمنا قلنا من قبل لیست هی کل المناهج التي عرفتها دراسة هذا الأدب...».

از نمونه‌های دیگر در این زمینه می‌توان به پاراگراف پایانی صفحه ۳۰ اشاره کرد که به جای «هذه» از «هذا» استفاده شده است: «على هذا الصورة شهد القرن السابع عشر تلك الثورة الفكرية على المنطق الأرسطي» یا در انتهای صفحه ۷۸ که همزه در کلمه «أذهان» به صورت «إذهان» آمده است؛ نیز در سطر اول صفحه ۷۹ «إنما» به صورت «أنما» ذکر شده است.

۲-۱-۵. مقدمه اثر و اهداف آن

مقدمه درحقیقت جایی است برای به نمایش گذاشتن اطلاعاتی کلی درباره پژوهش که در اختیار خواننده قرار می‌گیرد و او را به سمت آن هدایت می‌کند (محمد الشامی، ۲۰۱۲، ص. ۲۶). مقدمه یوسف خلیف در ۵ صفحه تنظیم شده است که به نظر می‌رسد برای کتابی با حجم ۱۵۷ صفحه کافی و مناسب است.

کتاب حاضر بر اساس آنچه نویسنده در مقدمه ذکر کرده است، دو هدف را دنبال می‌کند که عبارت‌اند از: مناهج و روش‌ها، و دیگری پژوهش علمی (همان، ص. ۱۱) که سه فصل را به هدف اول و فصل آخر را به هدف دوم اختصاص داده است. همچنین یوسف خلیف در جایی دیگر از مقدمه، کتاب خود را بر سه اصل استوار می‌داند که به ترتیب ذیل به آن‌ها اشاره می‌کند:

۱. بررسی تاریخی نقش دانشمندان عرب در تاریخ علم روش‌شناسی در پژوهش،
۲. بررسی تئوریک روش و منهج،
۳. کار عملی در پژوهش ادبی که در این بخش به شیوه تدوین پایان‌نامه در ادبیات عربی می‌پردازد (همان، ص. ۱۲).

با توجه به فصل‌بندی کتاب حاضر، بهتر بود نویسنده کتاب، اصل دوم را بر اصل اول مقدم می‌کرد، زیرا بررسی روش‌شناسی پژوهش در نزد عرب، در فصل سوم، و بررسی بخش تئوریک آن و سیر تاریخی این علم در غرب در فصل اول و دوم انجام شده است. گفتنی است، یوسف خلیف در نخستین جمله از مقدمه ادعا می‌کند این کتاب در شکل و موضوع کاملاً جدید است و از کتاب‌های سابق در حوزه روش تحقیق متمایز است. او برای اثبات مدعای خود، به کتاب *مناهج الدراسة الأدبية* نوشته شکر فیصل اشاره می‌کند و تفاوت کار خود را با آن، رویکرد موضوعی و عینیت‌گرا در کتاب خود و

رویکرد تاریخی - تطبیقی در کتاب فیصل می‌داند. همچنین به کتاب‌های *مناهج العلماء المسلمين فی البحث العلمی* اثر فرانتس روزنتال، *النقد المنهجي عند العرب* اثر محمد مندور می‌پردازد و معتقد است هر دو کتاب، روش‌های پژوهش ادبی را موضوع بررسی‌های خود قرار نداده‌اند. وی در ادامه به دو کتاب *کیف تکتب بحثاً أو رسالته* اثر احمد شلبی و *منهج البحوث الجامعية* اثر ثریا ملحس اشاره می‌کند و می‌گوید این دو کتاب تنها به بیان مباحث تئوری در نگارش و تدوین کار پژوهشی پرداخته و علم روش‌شناسی را مدنظر قرار نداده‌اند.

این در حالی است که عبدالسلام شاذلی در سال ۱۹۸۹ و ۵ سال قبل از وفات یوسف خلیف کتابی با عنوان *الأسس النظرية فی مناهج البحث الأدبی العربی الحدیث* به چاپ رسانده است که در آن به بررسی مناهج و روش‌های علوم مختلف و تطبیق آن در پژوهش‌های ادبی پرداخته و ارتباط علوم انسانی و پژوهش‌های ادبی معاصر را مورد بررسی قرار داده است. نیز وی به فکر و اندیشه عربی و ارتباط آن با اندیشه غربی از زمان نهضت عربی می‌پردازد. گفتنی است وی برای مناهج ادبی - عربی معاصر از واژه مکتب استفاده می‌کند و عقّاد را نماینده مکتب روان‌شناسی، طه حسین را نماینده مکتب تاریخ و سلامه موسی و سپس محمد مندور را نماینده مکتب اجتماعی معرفی می‌کند (الشاذلی، ۱۹۸۹).

نکته قابل توجه آن است که یوسف خلیف به این کتاب اشاره نمی‌کند، در حالی که این کتاب در برخی مباحث به‌ویژه موضوعی بودن رویکرد آن، به کتاب حاضر شبیه است؛ البته این بدان معنا نیست که کتاب حاضر با کتاب شاذلی تفاوتی ندارد. از جمله تفاوت‌های بارز بین دو کتاب، پرداختن خلیف به بحث روش پژوهش در ادبیات قدیم و معاصر عربی است، در حالی که کتاب شاذلی همان‌طور که از نامش پیداست، تنها ادبیات معاصر عربی را بررسی کرده است، لذا با وجود نقاط مشترک بین آن دو، تفاوت در شیوه پردازش به موضوع در دو کتاب کاملاً طبیعی است.

نکته قابل تأمل دیگر در مقدمه کتاب، آن است که نویسنده در مقدمه به آموزشی بودن این اثر اشاره‌ای نمی‌کند، اما فصل چهارم کتاب را به شیوه تدوین پایان‌نامه و رساله اختصاص می‌دهد. ناگفته نماند که نگارنده کتاب در مقدمه به این مطلب می‌پردازد که پژوهش‌های وی در زمینه روش تحقیق به ۱۸ سال قبل از زمان نگارش این کتاب می‌رسد؛

یعنی زمانی که دانشگاه کویت از او به منظور تدریس این درس برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی دعوت به عمل آورد. وی همچنین تجارب خود را به عنوان پژوهشگر و راهنمای دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه قاهره، در نگارش این کتاب مؤثر می‌داند. به همین دلیل می‌توان آن را به عنوان کتاب آموزشی در نظر گرفت.

۳-۱-۵. فهرست مطالب، جدول‌ها و نمودارها

از مهم‌ترین اجزای کتاب، فهرست مطالب آن است تا خواننده را با عنوان‌های اصلی و فرعی آن آشنا سازد (بوحوش، لاتا، ص. ۸۵). فهرست مطالب در کتاب حاضر در انتهای آن آمده است که البته نمایه کاملی از عنوان‌های موجود در کتاب نیست. قبل از پرداختن به نواقص و ایرادات موجود در این فهرست، ذکر این نکته ضروری است که کتاب مورد نظر از نظر دسته‌بندی مطالب در هر فصل و عنوان‌بندی بسیار ضعیف است و گرایش نویسنده بیشتر به سمت عنوان‌های درشت و سرتیترهاست، به طوری که گاهی توالی مباحث و فقدان ریزعنوان‌ها، برای خواننده خسته‌کننده می‌شود.

فهرست مطالب در کتاب از چند جنبه ایراداتی دارد:

۱. حذف برخی از عنوان‌ها در فصل دوم مانند *المنهج التاريخي، المنهج النفسي، المنهج الاجتماعي و المنهج الجمالی*.

۲. عنوان‌های ذیل فصل اول و سوم که در متن دو فصل یادشده، در فهرست مطالب دیده نمی‌شود.

۳. حذف شدن کامل فصل چهارم از فهرست مطالب.

۴. عدم ذکر شماره صفحات عنوان‌های یادشده در ذیل هر فصل و اکتفا به ذکر شماره صفحه آغازین فصل‌ها و نیز مقدمه کتاب.

همچنین با وجود اینکه به تصویر درآوردن اطلاعات گفتاری در قالب جدول‌ها، شکل‌ها و نمودارها به مثابه هنری ارتباطی در متون درسی توصیه شده است (لپیونکا، ۱۳۸۶، صص. ۲۸۳-۲۸۴)، اما کتاب حاضر فاقد جدول و نمودار است. این در حالی است که به گفته خلیف این کتاب برای دانشجویانش در دانشگاه قاهره نوشته شده است.

۴-۱-۵. فهرست منابع و اعلام

از دیگر اجزای مهم در پژوهش‌های علمی، فهرست منابع و مصادر است. کتاب حاضر فاقد فهرست منابع و اعلام است. علی‌رغم اینکه نویسنده در متن کتاب به حدود ۴۱ منبع در پاورقی ارجاع داده و کتاب‌های بسیاری را در متن کتاب نقد کرده است، اما فهرستی از منابع مورد استفاده خود در انتهای کتاب ارائه نکرده است که این امر، خود از موارد ضعف کتاب محسوب می‌شود. این در حالی است که آثار پیش‌تر از این کتاب و یا هم‌عصر آن، غالباً فهرست منابع دارند.

۲-۵. نقد محتوایی اثر

۱-۲-۵. تناسب محتوا با سرفصل‌های برنامه درسی

از آنجایی که کتاب موردنظر در مصر به چاپ رسیده است، لذا نمی‌توان انتظار داشت مطابق با اهداف وزارت آموزش عالی در ایران تدوین شده باشد، اما درخصوص اینکه می‌توان این کتاب را به‌عنوان منبع درسی و آموزشی در دانشگاه تدریس کرد یا نه، باید گفت، تنها فصل چهارم کتاب با سرفصل‌های تعیین‌شده برای درس روش تحقیق و *مآخذشناسی* در دوره کارشناسی هم‌خوانی دارد، اما با توجه به اینکه اولاً مطالب ارائه‌شده در این فصل به سبب ذکر کلیات و نپرداختن به جزئیات و عدم ذکر برخی از اجزای پایان‌نامه مانند چکیده و فهرست مطالب، کافی نیست و ثانیاً این کتاب قدیمی است و طبعاً شیوه‌ای که نویسنده ارائه کرده است با شیوه‌های امروزی سازگار نیست، مانند شیوه ارجاع‌دهی یا شیوه جمع‌آوری اطلاعات؛ لذا نمی‌توان از این کتاب برای تدریس استفاده کرد.

همچنین کتاب حاضر با سرفصل‌های درس روش تحقیق، *مقاله‌نویسی* و *سمینار* در *مسائل ادبی* در دوره کارشناسی ارشد هم‌خوانی ندارد. دلایلی که در پاراگراف فوق گفته شد، برای این درس نیز صدق می‌کند و علاوه بر آن، شیوه تحقیق و تصحیح نسخ خطی که در سرفصل‌ها آمده است مورد بحث این کتاب نیست. همچنین یوسف خلیف مانند بسیاری از کتاب‌های روش تحقیق، به شیوه پروپوزال‌نویسی اشاره‌ای نکرده است و فقط زمانی که شیوه تدوین مقدمه در پایان‌نامه را شرح می‌دهد به برخی از اجزای پروپوزال نه با عنوان پروپوزال، بلکه به‌عنوان اجزای مقدمه پایان‌نامه اشاره می‌کند که البته

نقد و بررسی کتاب *مناهج البحث الأدبی اثر یوسف خلیف* ۲۷۳

توضیحات وی نیز در این خصوص کافی نیست. لذا، این کتاب شایستگی تدریس در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد را ندارد و می‌توان از آن به‌عنوان کتاب کمک درسی استفاده کرد.

۲-۲-۵. مطابقت محتوای اثر با عنوان و فهرست آن

عنوان هر اثر پژوهشی، گویای محتوای آن است، زیرا نشان‌دهنده تلاش پژوهشگر و میزان توانایی وی در اجرایی کردن مسئله و نزدیک یا دور شدن او از آن است (سعودی و الخضیری، ۱۹۹۲، ص. ۲۷). به همین دلیل است که انتخاب عنوان علی‌رغم آنکه ساده به‌نظر می‌رسد، کاری بس دشوار است، زیرا در عنوان باید از واژگانی استفاده کرد که معرف اساسی‌ترین موضوعات مطرح در اثر باشد. عنوان کتاب *مناهج البحث الأدبی* است که تداعی‌کننده بررسی روش‌ها در پژوهش ادبی است، اما خواننده با مطالعه آن، به این نتیجه می‌رسد که کتاب حاضر، علاوه بر پرداختن به مبحث روش‌ها و ریشه‌یابی آن‌ها در سه فصل ابتدایی، مبحث دیگری را نیز دنبال می‌کند که در عنوان بدان اشاره‌ای نشده است. این مبحث افزوده که با عنوان هم‌خوانی ندارد، شیوه نگارش و تدوین پایان‌نامه و مآخذشناسی است که در فصل چهارم بدان پرداخته شده است. همچنین با توجه به اینکه یوسف خلیف در سه فصل اول از ریشه‌های مناهج، مبانی و سیر تاریخی آن سخن می‌گوید، بهتر بود از کلمات کلیدی مانند نشأتها، أصولها و یا إعداد الرسائل الجامعية و شبیه آن که در بسیاری از کتاب‌های روش تحقیق مرسوم است در ذیل عنوان اصلی استفاده می‌کرد، زیرا استفاده از این دست کلمات در کنار عنوان اصلی، خواننده را از محتوای کتاب آگاه‌تر می‌کند.

چنان‌که پیش‌تر در نقد شکلی اثر به تفصیل اشاره شد، فصل چهارم از فهرست مطالب کتاب نیز حذف شده است. لذا، این فهرست با محتوا هم‌خوانی ندارد. عدم اهتمام نویسنده به این فصل در عنوان و فهرست، در حالی است که وی در مقدمه علاوه بر روش، امر پژوهش را یکی از اهداف کتاب برمی‌شمرد.

۳-۲-۵. نظم منطقی و انسجام مطالب در اثر

فصل‌بندی منطقی هر کتاب یکی از یک‌صد ویژگی کتاب دانشگاهی کارآمد و اثربخش است (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۱۳). آنچه درباره تناسب محتوا با عنوان و فهرست مطالب

در کتاب مورد نظر گفته شد، می‌تواند در منطقی بودن نظم محتوای اثر و انسجام آن مؤثر باشد. لذا به منظور محقق شدن این هدف، به نظر می‌رسد نواقص یادشده باید مرتفع شود. عنوان فصل اول کتاب، روش‌شناسی پژوهش (علم مناهج البحث) است. نویسنده در این فصل به بررسی ریشه‌های این علم در غرب می‌پردازد. وی ابتدا از شکل‌گیری علم روش‌شناسی در عصر نهضت اروپا سخن می‌گوید. سپس به منطق ارسطویی و روش قیاس وی و سیطره آن بر قرون وسطی اشاره می‌کند و با آغاز عصر نهضت اروپا در قرن شانزدهم میلادی، به شکسته شدن این تابو و ظهور روش‌های علوم طبیعی و ریاضی یعنی روش استقرایی، استدلالی و استردادی می‌پردازد و اذعان می‌کند که دانشمندانی چون فرانسیس بیکن^۱، گالیله^۲ و دکارت^۳ در ظهور این روش‌ها نقش مؤثری داشتند. هرچند مباحث این فصل بسیار خوب، مفید و لازم است، اما به نظر می‌رسد با عنوان آن چندان سازگار نیست، زیرا بیشتر مباحث مطرح‌شده در آن به سیر تحول علم روش‌شناسی در غرب می‌پردازد که در عنوان ذکر نشده است و خواننده با دیدن عنوان این فصل گمان می‌کند که نویسنده قصد دارد در آن، صرفاً به علم روش‌شناسی، تعریف و انواع روش‌ها بپردازد. گفتنی است یوسف خلیف در ابتدای این فصل، تنها در دو صفحه از واژه روش و منهج و علم روش‌شناسی به میان می‌آورد و سپس وارد ریشه‌های این علم در غرب می‌شود، لذا به نظر می‌رسد تغییر عنوان این فصل به علم مناهج البحث، نشأته، تطوره و اعلامه ضروری است.

عنوان فصل دوم کتاب، روش‌های پژوهش ادبی (مناهج البحث الأدبی) است. نویسنده در ابتدای این فصل، به سیطره روش‌های پژوهش علوم طبیعی و تجربی بر پژوهش‌های ادبی اشاره می‌کند و در این راستا به تلاش سنت بوو^۴ در جهت تطبیق قوانین علم گیاه‌شناسی و روش‌های آن بر ادبیات، تلاش تن^۵ در جهت تطبیق مناهج تاریخ طبیعی بر ادبیات و در نهایت، تلاش برونتیر^۶ به منظور تطبیق نظریه داروین بر ادبیات اشاره می‌کند. آن‌گاه به این مطلب می‌پردازد که با گذر از قرن نوزدهم میلادی و فرارسیدن قرن بیستم و پیشرفت علوم انسانی، پژوهشگران ادبی به این نتیجه رسیدند که ادبیات ماهیتاً به علوم انسانی نزدیک‌تر است تا به علوم طبیعی و تجربی. لذا، باید قواعد و قوانین و نیز روش‌ها و مناهج خود را از علوم انسانی استمداد کند. وی سپس به مناهج چهارگانه تاریخی،

روان‌شناختی، اجتماعی و زیباشناختی می‌پردازد و برای هر یک از آن‌ها، نمونه‌هایی از پژوهش‌های معاصر در حوزه ادبیات قدیم عربی ذکر می‌کند.

با توجه به بیان سیر تحول روش تحقیق در پژوهش‌های ادبی در این فصل — که بسیار سودمند است و اطلاعات مفیدی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد — بهتر بود از عنوان‌های دقیق‌تری مانند *مناهج البحث الأدبی تطورها وأنواعها* استفاده می‌شد. از سویی، این فصل همان‌طور که از عنوانش پیداست، پژوهش ادبی را به شکل کلی و فارغ از ادبیات عربی بررسی کرده است، اما نویسنده در بحث انواع *مناهج* ادبی از آثار نوشته‌شده در حوزه ادبیات معاصر عربی و روش‌مندی این آثار استفاده می‌کند. این در حالی است که فصل بعد به روش‌های تحقیق در ادبیات عربی اختصاص داده شده است. لذا به منظور ایجاد نظم و هماهنگی بیشتر در مطالب فصل‌ها، بهتر بود این نمونه‌ها به فصل بعد منتقل، و از تقدیم آن‌ها بر فصل مربوط به آن خودداری می‌شد.

یکی از ایرادات بزرگی که می‌توان به عنوان فصل دوم وارد دانست، هم‌پوشانی کامل عنوان این فصل با عنوان کتاب است. این در حالی است که عنوان فصل باید جزئی از عنوان کتاب باشد و واضح است که عنوان کتاب باید شامل و فراگیرتر از عنوان‌های فصل‌ها باشد، لذا ضروری است که عنوان این فصل تغییر یابد.

عنوان فصل سوم، روش‌های پژوهش نزد عرب (*مناهج البحث عند العرب*) است. نویسنده در این فصل، ضمن رد کردن اظهارات برخی از پژوهشگران غربی مبتنی بر عقب‌ماندگی عقل عربی نسبت به عقل غربی در مبحث روش‌شناسی، به بررسی پژوهش‌ها در حوزه ادبیات عربی در عصرهای قدیم می‌پردازد و معتقد است که تمام این پژوهش‌ها روش‌گرا هستند و بر اساس روش خاصی که مدنظر مؤلف آن بوده است، به رشته تحریر درآمده‌اند، اما علمای آن زمان به فلسفه‌ی جامعی نرسیدند که بتواند افکار و اندیشه‌های آنان را به علمی نظری تبدیل کند.

یوسف خلیف در ادامه مباحث این فصل، به شکل مفصل به برخی از آثار قدیم عربی مانند *طبقات الشعراء* ابن سلّام جمحی، *الآغانی* ابو الفرج اصفهانی، *المزهر* سیوطی و *یتیمه الدهر* ثعالبی می‌پردازد و ۲۶ صفحه از فصل سوم را به اثبات روشمند بودن این آثار اختصاص می‌دهد.

از نقاط مثبت در این فصل، ذکر مثال‌ها و شرح کامل روش پژوهش در آن‌هاست، اما با اندک تعمقی در مطالب این فصل، روشن می‌شود که نمونه‌ها فقط از آثار و پژوهش‌های قدیم عربی انتخاب شده است. این در حالی است که نویسنده در فصل دوم، آثار معاصر در حوزه ادبیات عربی را بررسی کرده است؛ لذا بهتر بود نویسنده در قدم اول، فصل سوم را به دو بخش آثار قدیم عربی و آثار معاصر عربی تقسیم می‌کرد و مطالب موردنظر در فصل دوم را ذیل عنوان خود می‌آورد تا کتاب نظم بیشتری یابد.

عنوان فصل چهارم، پژوهش عملی (دراسة عملیة) است. یوسف خلیف در این فصل به شیوه تدوین و نگارش پایان‌نامه دانشگاهی پرداخته و مراحل مختلف آن را از مرحله انتخاب موضوع تا مرحله تدوین ذکر کرده است، ضمن اینکه در مرحله میانی یعنی مرحله جمع‌آوری اطلاعات، کتاب‌شناسی و مآخذشناسی محدودی را نیز مدنظر قرار داده است که از محاسن این فصل محسوب می‌شود و در انتهای فصل، نکته‌هایی را درخصوص نگارش پایان‌نامه به دانشجویان یادآوری می‌کند. مطالب در این فصل نظم منطقی‌ای دارند، اما به نظر می‌رسد آنچه در این فصل آمده است، کافی و جامع نیست و کمبودهایی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- عدم پرداختن به تفاوت میان سؤال و مسئله در مرحله انتخاب موضوع.
- عدم پرداختن به شیوه پروپوزال‌نویسی که البته شاید در آن زمان به شیوه امروزی معمول و مرسوم نبوده است؛ برای مثال، جودت رکابی در کتاب خود، درباره طرح اولیه که همان پروپوزال است توضیحاتی ارائه می‌کند، اما این توضیحات کافی نیست و شباهتی به آنچه امروزه به‌عنوان پروپوزال شناخته می‌شود، ندارد (الرکابی، ۱۹۹۲، صص. ۳۴-۳۶). یحیی جبوری نیز مانند رکابی و خلیف بسیار محدود به این امر می‌پردازد و می‌توان گفت سخن آنان را تکرار می‌کند (الجبوری، ۱۹۹۳، صص. ۳۲-۳۵).
- عدم پرداختن به برخی از اجزای اساسی در پایان‌نامه مانند چکیده و فهرست مطالب.

۴-۲-۵. رعایت بی‌طرفی نویسنده و امانت‌داری وی

پژوهشگر باید به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی آراسته باشد و خود را در مقابل تکلیفی که بر دوشش می‌بیند، مسئول بداند (السید أحمد، ۲۰۱۱، ص. ۲۹). با توجه به اهمیت این مسئله، یوسف خلیف در نقد آثار دیگران، جانب بی‌طرفی و عدالت را رعایت و کاملاً

اخلاق‌مدارانه و به دور از رکاکت کلامی عمل کرده است، لیکن علی‌رغم اینکه با نویسندگان مشهوری چون شوقی ضیف، شکری فیصل و... که در این حوزه قلم‌فرسایی کرده‌اند، هم‌عصر بوده اما از آثار آنان در حوزه روش تحقیق، استفاده نکرده است. ناگفته نماند این امر را نمی‌توان عامدانه دانست، زیرا خلیف برای مثال به سایر آثار شوقی ضیف در زمینه‌های دیگر مانند تاریخ ادبیات عربی در عصرهای مختلف و... اشاره می‌کند و به نقد برخی از آن‌ها می‌پردازد، اما از کتاب *البحث الأدبی وی حرفی نمی‌زند*.

پژوهشگر باید از خطا کردن در نقل و اقتباس از دیگران خودداری کند (ماجد، ۲۰۱۶، ص. ۵۳)، لذا امانت‌داری علمی امری است که همه پژوهشگران بر آن اتفاق نظر دارند. روزنتال در کتاب خود بخشی را به موضوع ارجاع دادن به منابع مورد استفاده در پژوهش اختصاص می‌دهد و درخصوص اهمیت آن با ذکر نمونه‌هایی به تفصیل سخن می‌گوید (روزنتال، ۱۹۶۱، صص. ۱۱۳-۱۲۴). درخصوص امانت‌داری علمی یوسف خلیف می‌توان گفت، وی در هر جایی از کتاب که از آثار دیگران استفاده کرده، در پانویس بدان ارجاع داده است که البته از شیوه علمی خاصی پیروی نمی‌کند. این ارجاعات به دو شکل انجام شده است: یا مستقیماً به منبع ارجاع داده شده است یا گاهی نویسنده ضمن بیان مطلبی، خواننده را برای کسب اطلاعات بیشتر به منابع ارجاع می‌دهد. گفتنی است که تعداد ارجاعات در این کتاب به‌طور کلی زیاد نیست و به‌نظر می‌آید شیوه رایج در آن زمان بوده است. نگاهی به کتاب‌های روش تحقیق و متدولوژی در آن دوره، مؤید این ادعاست.

۵-۲-۵. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر از جهت ارجاع به منابع جدید

غالباً پژوهشگر از دو دسته از منابع استفاده می‌کند. کتاب‌های قدیمی و دست اول که معمولاً قبل از زمان پژوهش انجام شده و منابعی که هم‌زمان با آن صورت گرفته است (جواد الطاهر، ۱۹۷۰، صص. ۶۹-۷۰).

منابع مورد استفاده در این اثر را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

۱. منابعی که موضوع اصلی آن‌ها، روش تحقیق علمی و ادبی است.
۲. منابعی که موضوع آن مربوط به ادبیات عربی به‌ویژه دوره قدیم است.

از مجموع ۴۱ کتابی که نویسنده در کتاب خود استفاده کرده است، هشت کتاب در دسته اول و بقیه در دسته دوم جای می‌گیرند. با توجه به اهداف اصلی کتاب که روش و پژوهش است انتظار می‌رفت که نویسنده از منابع بیشتری در این زمینه استفاده کند. کتاب‌هایی مثل *البحث الأدبی* از شوقی ضیف، *مناهج الدراسة الأدبیه* از شکری فیصل، *الأسس النظرية في مناهج البحث الأدبی العربی* الحدیث از عبدالسلام شاذلی، *منهج البحث وتحقیق النصوص* از یحیی جبوری، *منهج البحث الأدبی* از علی جواد الطاهر و... که تاکنون نیز مورد اهتمام پژوهشگران است. هر چند کتاب موردنظر، از کتب قدیمی در زمینه روش تحقیق به‌شمار می‌رود و نمی‌توان آن را با کتاب‌های قرن ۲۱ مقایسه کرد، اما از نظر ارجاع‌دهی به منابع زمان خود و قبل از زمان خود نیز ضعیف است.

۵-۲-۶. نوآوری و ارزش علمی اثر

یوسف خلیف در ابتدای مقدمه کتاب، اثر خود را در شکل و موضوع کاملاً جدید معرفی می‌کند و روش آن را موضوعی و عینیت‌گرا می‌داند و آن را از کتاب‌های دیگر در این حوزه متمایز می‌داند. نگارنده این مقاله با مطالعه برخی از کتاب‌های چاپ‌شده تا قبل از سال ۱۹۹۵ (سال وفات خلیف) به این نتیجه رسید که کتاب حاضر در بیان اصول نظری پژوهش تفاوت چندانی با دیگر کتاب‌ها ندارد. از مشهورترین این کتاب‌ها، *البحث الأدبی* شوقی ضیف (۱۹۷۲) است که قبل از کتاب خلیف به‌چاپ رسیده و بسیار کامل‌تر از وی به مباحث روش‌شناسی پرداخته است. برای مثال، سیر تاریخی روش‌شناسی در غرب و مناهج چهارگانه که خلیف در فصل اول و دوم و در ۴۷ صفحه بدان پرداخته است، به‌طور کامل‌تر و مفصل‌تر در فصل دوم کتاب شوقی ضیف با عنوان «مناهج» و در ۶۶ صفحه آمده است (ضیف، ۱۹۷۲، صص. ۱۴۵-۷۹).

همچنین خلیف در لابه‌لای فصل سوم که به بررسی روش‌های پژوهش نزد عرب اختصاص دارد، به مبحث سندشناسی متون ادبی و همچنین حدیث نبوی می‌پردازد، اما شوقی ضیف فصل کاملی (صص. ۱۴۳-۲۱۱) را با نام «الأصول» به این موضوع اختصاص می‌دهد و بسیار کامل‌تر از خلیف آن را بررسی می‌کند.

درخصوص فصل چهارم کتاب که به شیوهٔ تدوین پایان‌نامه برمی‌گردد نیز کتاب‌های متعددی قبل از خلیف نوشته شده که به هیچ‌کدام از آن‌ها ارجاع داده نشده است؛ از جمله می‌توان به کتاب *منهج البحث الأدبی اثر جودت رکابی* (۱۹۹۲)، *منهج البحوث العلمیة للطلاب الجامعیین* نوشته ثریا عبدالفتاح ملحس (۱۹۶۰)، *کیف تکتب بحثاً أو رسالته* اثر احمد شلبی (۱۹۷۴)، *منهج البحث و تحقیق النصوص* به نویسندگی یحیی وهیب جبوری (۱۹۹۳) اشاره کرد. این در حالی است که نویسندهٔ اثر موردنظر، نکته‌های جدیدی به آثار پیشین نیفزوده است و هر آنچه در این فصل آمده، همان است که در کتاب‌های دیگر نیز وجود داشته است.

باتوجه به آنچه گفته شد، کتاب یوسف خلیف علی‌رغم ادعای خود در مقدمه، نکته‌های جدیدی در حوزهٔ روش‌شناسی و پایان‌نامه‌نویسی ندارد و از جنبهٔ نوآورانهٔ قابل توجهی برخوردار نیست و تنها نکته‌ای که می‌توان در این راستا بدان اشاره کرد و آن را تنها جنبهٔ نوآورانهٔ پژوهش وی دانست، نقدهای مفصلی است که دربارهٔ کتاب‌های مختلف در عصرهای ادبی به‌ویژه عصرهای قدیم ادبیات عربی انجام داده است. موفقیت وی در نقد کتاب‌ها به‌ویژه کتب قدیم به تخصص وی در حوزهٔ ادبیات قدیم عربی برمی‌گردد. عنوان‌های آثار وی گواه این مطلب است.

۶. نتیجه

نتایج برآمده از مقالهٔ انتقادی حاضر عبارت‌اند از:

- کتاب *مناهج البحث الأدبی* از نظر شکلی دارای ایرادات نحوی و ویرایشی است.
- نویسنده در مقدمهٔ کتاب، آن را متمایز از دیگر کتاب‌های در زمینهٔ روش تحقیق می‌داند در حالی که بررسی‌های نگارندهٔ مقالهٔ حاضر نشان می‌دهد این کتاب در بسیاری از موضوعات با کتاب‌های دیگر تفاوتی ندارد و تنها امتیاز آن، نقد آثار نویسندگان قدیم است که نویسنده به‌خوبی از عهدهٔ آن برآمده است.
- کتاب فاقد نمودار و جدول است.
- فهرست مطالب آشفته و نابسامان است و با محتوای کتاب و عنوان آن مطابقت ندارد. افزودن عنوان‌هایی که در متن نیست و حذف برخی از عنوان‌های فصل‌ها و نیز حذف کامل فصل چهارم کتاب از فهرست از جملهٔ این آشفتگی‌هاست.

- کتاب، علی‌رغم استفاده از منابع در متن، فاقد فهرست منابع است.
- کتاب حاضر با سرفصل‌های درس‌های روش تحقیق در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد در ایران هم‌خوانی ندارد و به همین دلیل منبع مناسبی برای تدریس در دانشگاه نیست و می‌توان از آن به‌عنوان منبع کمک درسی در کنار منبع اصلی استفاده کرد.
- با توجه به محتوای فصل اول بهتر است عنوان فصل به علم مناهج البحث، نشأته، تطوره و أعلامه تغییر یابد.
- نظم منطقی مطالب در فصل دوم و سوم به‌طور کامل رعایت نشده است. نقد کتاب‌های مربوط به ادبیات معاصر عربی باید به فصل سوم که به بررسی پژوهش‌های ادبی در نزد عرب می‌پردازد، منتقل شود.
- عنوان فصل دوم دقیقاً همان عنوان کتاب است که این امر، از موارد ضعف کتاب در عنوان‌گذاری به‌شمار می‌رود.
- فصل چهارم کتاب نظم منطقی خوبی دارد، اما کاستی‌هایی در آن دیده می‌شود؛ مانند عدم پرداختن به چکیده و فهرست مطالب در تبیین اجزای پایان‌نامه و فقدان آموزش اصول پروپوزال‌نویسی.
- نویسنده در نقد کتاب‌های دیگران کاملاً بی‌طرفانه و عادلانه عمل کرده است و در صورت استفاده از دیگر مصادر و اقتباس از آن‌ها، جانب امانت‌داری را رعایت کرده و به آن‌ها ارجاع داده است.

پی‌نوشت‌ها

1. Francis Bacon
2. Galileo
3. Descartes
4. Sainte Beuve
5. Taine
6. Brunetiere

منابع

- بوحوش، ع. (لاتا). دليل الباحث في المنهجية وكتابة الرسائل الجامعية. الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- الجبوری، ی. (۱۹۹۳). منهج البحث و تحقیق النصوص. بیروت: دارالغرب الإسلامی.

نقد و بررسی کتاب *مناهج البحث الأدبي* اثر يوسف خلیف ۲۸۱

- جواد الطاهر، ع. (۱۹۷۰). *منهج البحث الأدبي*. بغداد: مطبعة العاني.
- خليف، ی. (۱۹۹۷). *مناهج البحث الأدبي*. القاهرة: دارالثقافة.
- عبيدات، ذ.، عبدالرحمن، ع.، و كايد، ع. (۱۹۸۴). *البحث العلمي؛ مفهومه وأدواته وأساليبه*. دمشق: دارالفكر.
- الركابي، ج. (۱۹۹۲). *منهج البحث الأدبي في إعداد الرسائل الجامعية*. دمشق: دار ممتاز.
- روزنتال، ف. (۱۹۶۱). *مناهج العلماء المسلمين في البحث العلمي*. ترجمة ا. فريضة، و. عرفات. بيروت: دارالثقافة.
- سرحان على المحمودي، م. (۲۰۱۹). *مناهج البحث العلمي*. صنعاء: دارالكتب.
- سعودي، م.ع.، و احمد الخضيرى، م. (۱۹۹۲). *الأسس العلمية لكتابة رسائل الماجستير والدكتوراه*. القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
- السيد أحمد، ع. (۲۰۱۱). *كتابة البحث المفاهيم والقواعد والأصول*. دمشق: دارالفكر الفلسفي.
- الشاذلي، ع. (۱۹۸۹). *الأسس النظرية في مناهج البحث الأدبي العربي الحديث*. مصر: دار الحدائق.
- ضيف، ش. (لاتا). *البحث الأدبي طبيعته، مناهجه، أصوله، مصادره*. القاهرة: دارالمعارف.
- ليبونكا، م.ا. (۱۳۸۶). *نحوه نگارش و تهیه کتاب درسی دانشگاهی*. ترجمه گروه مترجمان. تهران: سمت.
- ماجد، ر. (۲۰۱۶). *منهجية البحث العلمي إجابات عملية لأسئلة جوهرية*. بيروت: مؤسسة فريدريش، إيبيرت.
- محمد الشامي، ع. (۲۰۱۲). *أصول المنهج البحث العلمي وقواعد تحقيق المخطوطات*. بيروت: المكتبة العصرية.
- منصوريان، ی. (۱۳۹۲). *صد ویژگی کتاب های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. نگارش و پژوهش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷*.
- دويدرى، ر.و. (۲۰۰۰). *البحث العلمي؛ أساسياته النظرية وممارسته العملية*. دمشق: دارالفكر.
- البروفيسور يوسف عبدالقادر خليف، جائزة ملك فيصل، ۹ اوت ۲۰۲۰.

www.kingfaisalprize.org/ar/professor-yousef-a-khulaif.